

طبقه‌بندی، حق‌السعی و پاداش؛ از جمله حقوق فراموش شده نیروی کار هستند

مزایایی که به‌رویا بدل شده‌اند



نسرین هزاره مقدم

در روابط کار همه چیز وابسته به چانه‌زنی است. وقتی قدرت چانه‌زنی طبقه کارگر، چه در درون کارگاه و چه در بیرون کارگاه، پایین باشد، نمی‌توان انتظار داشت «دریافتی و حقوق کارگران» با کاری که انجام می‌دهند، تناسب ماهوی داشته باشند. از کارگران بی‌صدای روزهای تعطیل و جمعه و خارج از ساعات کار کار می‌کشند اما جمعه‌کاری و اضافه‌کاری نمی‌دهند. مدت‌هاست که از حق‌السعی و پاداش تولید در بسیاری از کارگاه‌های دایر کشور خبری نیست حتی در کارگاه‌هایی که پرداخت

آکورد پاداش تولید، زمانی نه چندان دور، جزو عرف کارگاه بود و طرح طبقه‌بندی نیز که ماهیتاً نظامی برای جلوگیری از بهره‌کشی و استثمار است به حدی دچار تضعیف شده که از آن فقط پوسته‌ای بی‌جان روی کاغذ باقی مانده و به همین دلیل است که حقوق کارگران در ۱۴۰۰ به نسبت افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی و شاخص‌های متوسط درآمدی، به شدت پایین است.

رو روابط کار همه چیز به قدرت چانه‌زنی وابسته است. چانه‌زنی کارگران در سطح کارگاه به دلیل تفوق قراردادهای موقت و بی‌ثبات‌کاری برآمده از دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت و سلب حق تشکیل‌یابی به تبع آن، بسیار پایین است یعنی حتی اگر در

یک کارگاه، هزار کارگر متخصص مشغول به کار باشند، باز هم نمی‌توانند مطالبه پرداخت پاداش تولید یا برخورداری از یک طرح طبقه‌بندی عادلانه را به کرسی بنشانند. قدرت چانه‌زنی کارگران در بیرون کارگاه و در سطح اجتماع نیز به شدت پایین است و دلیل آن نیز ارتش انبوه بیکاران و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است که نرخ تقاضای کار را به نسبت عرضه آن به میزان قابل توجهی افزایش داده و در این شرایط، وقتی یک کارگر برای مصاحبه کار مراجعه می‌کند، «قدرت ذاتی» ندارد تا بتواند بر سر حقوق و مزایای مزدی با کارفرما چانه‌بزند و مطالبه دریافتی بیشتر کند.

برآند این علل ساختاری، فضایی را در روابط کار امروز ایران به وجود آورده که دیگر در آن از پاداش و حق‌السعی خبری نیست و طرح طبقه‌بندی نیز اگر برای خالی نبودن عریضه و رفع تکلیف کارفرمایان اجرامی شود، طرحی عقیم و سترون و بدون رعایت معیارهای عادلانه است!

حق‌السعی نداریم فقط مزد خالی
طبق ماده ۳۴ قانون کار، کلیه دریافت‌های قانونی که کارگر به اعتبار قرارداد کار اعم از مزد یا حقوق، کمک عائله‌مندی، هزینه‌های مسکن، خواربار، ایاب و ذهاب، مزایای غیرنقدی، پاداش افزایش تولید، سود سالانه و نظایر آنها دریافت می‌کند را حق‌السعی می‌گویند. با این حساب، حق‌السعی همان «دریافتی کارگر»

است اما نکته اینجاست که میزان آن وابسته به «قرارداد کار» است و وقتی کارگر هیچ اختیاری در تنظیم قرارداد نداشته باشد، بدیهی است که در آن خبری از پاداش، سود سالانه یا هزینه ایاب و ذهاب نخواهد بود.

به گفته «حسین حبیبی» عضو هیات مدیره کانون عالی شورا‌های اسلامی کار کشور، دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت با به رسمیت شناختن قراردادهای موقت در کارهای با ماهیت مستمر، عملاً راه کارگر در عقد قرارداد کار را از میدان خارج کرده و صفر تاصد کار را به دست سودجوی کارفرما سپرده و در واقع هر چه بنویسند کارگر مجبور است زیرش امضا بزند.

این «هر چه بنویسند، کارگر مجبور است امضا بزند» در بازار کار امروز، یک واقعیت بسیار آشناست، حتی در نهادها و ارگان‌های دولتی. یکی از پرسنل شرکتی مخابرات در این رابطه می‌گوید: «متن قرارداد را پیمانکار به دلخواه خود می‌نویسد و برای صدها پرسنل تحویل کرده و با سابقه می‌آورد که امضا کنند. می‌پرسید اگر امضای من چه می‌شود، اول از مزایای مزدی‌مان می‌کاهند و بعد فشار می‌آورند و در نهایت، کار می‌تواند به تعدیل و اخراج بکشد. روابط کار معیوب و ورود خشن پیمانکاران، این همه کارگر متخصص و تحصیل کرده را از حق ابراز نظر در ارتباط با حیاتی‌ترین مسائل سرنوشت شغلی خود محروم کرده‌است؛ به همین سادگی».

هم بشود، عایدی چندانی برای کارگر نخواهد داشت. حتی در برخی کارگاه‌ها که سال‌های پیش از این، همیشه پاداش تولید پرداخت می‌شده و لاجرم یک حق عرفی محسوب می‌شود، حالا خبری از آن نیست! پنهان هم رکود تولید و نبودن نقدینگی است.

نمونه آن نیز شرکت هپکو اراک است که کارگران آن بعد از خصوصی‌سازی و مشکلات و سردرگمی‌های بعد از آن، به خصوص در دو سال اخیر، رنگ «پاداش تولید» را ندیده‌اند چون اصولاً تولیدی در کار نبوده که پاداشی در کار باشد. در نمونه‌ای دیگر، یک کارگر شاغل در یک کارگاه قطعه‌سازی حاشیه تهران، در ارتباط با کاستی گرفتن مزایای عرفی از جمله آکورد تولید (همان پاداش در اصطلاح خودروسازان) می‌گوید: «قبلاً پاداشی که کارگران در همین کارگاه می‌گرفتند، چند برابر مبلغ فعلی آن بود. کارفرمایان سال به سال از مزایای عرفی از جمله از آکورد تولید کاسته‌اند و ما هم حق اعتراض نداریم. می‌سوزیم و می‌سازیم. در واقع دستمزد واقعی ما در یک دهه اخیر، شاید به نصف رسیده‌است. ۱۰ سال پیش، قدرت خرید حقوق کارگران همین کارگاه، دو برابر مقدار فعلی آن بود اما آن روزهای خوش گذشت...».

طبقه‌بندی تو خالی در کارگاه‌ها

حالا که حق‌السعی و پاداش تولید و سود سالیانه همگی با هم به یغما رفته‌اند، تنها شاخصی که می‌تواند دریافتی کارگر را از سطح ناچیز مزد پایه به اضافه مزایای همه‌شمول بالاتر بیاورد و کمی افزایش دهد، «طرح طبقه‌بندی مشاغل» است؛ طرحی که براساس الزامات ماده ۴۸ قانون کار، راهکاری است برای جلوگیری از استثمار و بهره‌کشی از کار دیگران. مساله اینجاست که طرح طبقه‌بندی باید در کمیته‌ای با حضور دو نماینده کارگر، دو نماینده سرپرست و یک نماینده کارفرما تنظیم شود و وقتی کارگران نماینده واقعی ندارند و در شرایطی که دادنامه اخیر دیوان عدالت به شماره ۳۶۹ حق وتوی کارگران و الزام به حداقل یک رای مثبت نمایندگان کارگری برای تصویب طرح را از میان برداشته، طرح طبقه‌بندی برای کارگران مشمول، به هیچ‌وجه مطلوب نیست و نمی‌تواند در یافتی آنها را عادلانه و مطابق قانون افزایش دهد.

دادنامه دیوان عدالت به شماره ۳۶۹ حق وتوی کارگران و الزام به حداقل یک رای مثبت نمایندگان کارگری برای تصویب طرح طبقه‌بندی را از میان نمی‌تواند دریافتی کارگران را عادلانه و مطابق قانون افزایش دهد

«صالحی پور باور صداد» دبیر اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی ماهشهر و بندر امام، ادعا می‌کند در هیچ کدام از کارگاه‌های دایر در ماهشهر، کارگران از طرح طبقه‌بندی اجرا شده رضایت ندارند. یک کارگر شرکتی بندر امام نیز که به تازگی طرح طبقه‌بندی مطابق میل و منویات کارفرما برایش اجرا شده، در این رابطه می‌گوید: «ما کارگران پیمانکاری نه تشکیل داریم و نه شورا. نماینده کارگر هم نداریم. به طور صوری دو نفر از کارگران نزدیک به خودشان را برندن در کمیته نشانند و از آنها برای طرحی که مورد نظر خودشان بود، امضا گرفتند و بعد هم آمدند و گفتند بفرمایید این هم طرح طبقه‌بندی تان! دیگر چه می‌خواهید؟».

باین حساب، باز هم به همان ادعای اول بازی می‌گردیم. تازمانی که کارگران لاقدر در درون کارگاه، تشکیل قدرتمند و مستقل و حق چانه‌زنی ندارند، حقوق آنها محدود به دستمزد خالی است و اگر کارفرما منصف باشد، مزایای همه شمول مثل سنوات و حق اولاد نیز به پرسنل خود پرداخت می‌کنند اما دیگر خبری از آکورد تولید و حق‌السعی پر و پیمان و طبقه‌بندی عادلانه نیست. یادمان نرود که صدها هزاران کارگر هم هستند که در کارگاه‌های کوچک صنفی و تولیدی‌های کوچک همان دستمزد پایه کار می‌کنند و حقوق شان فقط همان حقوق پایه وزارت کار است و هیچ‌یک از مزایای مزدی به آنها تعلق نمی‌گیرد. این کارگران از زور ناچاری صدایشان در نمی‌آید و با همان دستمزد پایه کار می‌کنند، بدون اضافه‌کار، بدون پرداخت جمعه‌کاری و بدون برخورداری از مزایای حداقلی. این جمعیت انبوه، پاداش تولید و آکورد را حتی در خواب هم نمی‌بینند!

مدیرعامل تامین اجتماعی خبر داد:
۳۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به صندوق بیمه کارگران



مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی با اشاره به ارائه خدمات رایگان به ۴۵ میلیون نفر از بیمه‌شدگان گفت: ۶۱ مرکز درمانی و ۳۵۷ تخت بیمارستانی احداث و اضافه شده‌است.

به گزارش توسعه‌ایرانی، مصطفی سالاری گفت: در بحث نسخه الکترونیک نیاز به یک الزام جدی داریم اما به دلایل عدم زیرساخت به تعویق می‌افتاد اما امروز که در ۹۰ درصد و استاهای مایینترنت وجود دار امکان نسخه‌نویسی الکترونیک هم برقرار است. وی بیان کرد: در خرداد سال گذشته گام اول این امکان برداشته شده و تا اسفند سال گذشته دفترچه جدیدی داده شده است و چون امروز در همه جای ایران خدمات الکترونیک درمانی قابل انجام است و کافی است بانم افزا را واسط افرادی که در حوزه درمانی فعالیت می‌کنند سامانه خود را به مامصل کنند.

مدیرعامل تامین اجتماعی تصریح کرد: تعداد بیمارستان‌ها را در شهرستان‌هایی که بیمارستان تامین اجتماعی نداریم بیشتر کرده و ارائه خدمات را برای ۴۵ میلیون نفر رایگان کرده‌ایم. همچنین درمان را برای افراد ۶۵ سال به بالا کاملاً رایگان کردیم و برای بیماران صعب‌العلاج نیز مشروط به تشکیل پرونده خودشان ۱۰۰ درصد هزینه درمانی‌شان را رایگان کرده‌ایم.

وی درباره وصول مطالبات سازمان از دولت اظهار کرد: ۱۲۰ هزار میلیارد تومان از مطالبات خود را وصول کرده‌ایم. این مبلغ در کنار سودسهامی ما هزینه‌های متناسب‌سازی حقوق بازنستگان را تضمین می‌کند ولی همچنان بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان از دولت طلب داریم.

کارگران آبفای هویزه ۸ ماهه حقوق معوقه طلبکارند

کارگران شرکت آب وفاضلاب هویزه حدود۸ماه حقوق و ۳سال حق بیمه پرداخت نشده‌دارند. این کارگران روز یکشنبه(۱۷ مرداد)مقابل اداره آبفای این شهر دست به تجمع زدند.

یکی از کارگران آبفای هویزه به ایلنا گفت: کارگران شاغل در آبفای هویزه که به‌عنوان کارگران خدمات و اپراتور ایستگاه‌های آب و فاضلاب در مناطق مختلف شهر هویزه مشغول به کار هستند، حدود ۸ ماه حقوق و حدود سه سال حق بیمه طلبکارند.

این کارگر با اشاره به میانگین ۱۵ تا ۱۹ سال سابقه کاری خود همکارانش در آبفای هویزه گفت: ما کارگران با روزی ۱۲ ساعت کار مداوم و سخت از حداقل‌های مزدی محروم هستیم و مسئولان اداره آب و فاضلاب هویزه به مشکلات‌مان اعتنایی نمی‌کنند. وی در ادامه یادآور شد: سال‌هاست پیگیری وضعیت شغلی‌مان از مسئولان آبفای هویزه هستیم اما تاکنون آنها تصمیم جدی برای حل مشکلاتمان نکرده‌اند و این موضوع هر روز نگرانی ما را بیشتر می‌کند چرا که جدا از مشکل ناکافی بودن مزد، کارفرما نیز در مقاطعی حق بیمه ما به‌طور کامل پرداخت نکرده‌است.

کارگران شهرداری سی سخت:

شرایط زندگی ماروز به‌روز سخت‌تر می‌شود

کارگران شهرداری سی سخت می‌گویند ۸۷ کارگری که در این شهرداری مشغول به کار هستند، حدود یک سال حقوق خود را دریافت نکرده‌اند و دچار مشکلات عدیده‌ای هستند.

به گزارش ایلنا، یکی از این کارگران بابیان اینکه متأسفانه مسئولان در ارتباط با وضعیت کارگران شهرداری کمتر احساس مسئولیت می‌کنند، ادامه داد: روزگار کارگران شهرداری سی سخت به‌سختی می‌گذرد. از یک طرف محدودیت‌های کرونا و ترس از ابتلا و از طرف دیگر مشکلات زلزله که برخی از ما همچنان بی‌سرپناهیم. کارمان چند برابر شده و نیازمند وصول طلب‌های مالی خود برای تامین خوراک و سرپناه برای خانواده‌ایمان هستیم.

وی بابیان اینکه هر کدام از ما به‌صورت میانگین از صبح زود تا ساعت ۱۱ شب در شهر مشغول خدمت‌رسانی به مردم و شهروندان هستیم، افزود: آخرین حقوق خود را دو ماه پیش دریافت کرده‌ایم که مربوط به مرداد ۹۹ بود، یعنی یک سال تاخیر در پرداخت حقوق.



بیت‌المال تحمیل می‌کنند تا ب را برای رسیدن به سودی موقت و غیربهمینه منتقل کنند. اینکه آب را با صرف هزینه‌های گزاف به جایی منتقل کنیم که یک‌دهم هزینه انتقال آن در آمد ایجاد می‌کند، نشان از معیوب بودن سیستم تصمیم‌گیری در سطح کشور دارد. وی در ادامه درباره شکاف و فاصله طبقاتی ایجاد شده طی سال‌های منمادی گفت: نرخ تورم بالا در سال‌های اخیر به تدریج باعث شده انهایی که در آمدشان نسبتاً ثابت است یا هر سال تغییر اندکی می‌کند، هر روز ضعیف‌تر شوند و در مقابل، افرادی که از انواع رانت‌های موجود استفاده می‌کنند هر روز ثروتمندتر شوند. همه اینها در واقع به دلیل عدم شفافیت در سیاست‌ها و وجود رانت و فساد در کشور است که نتیجه آن شرایط موجود معیشتی است که در حال حاضر با آن مواجهیم.

ضعف دولت هادر باز توزیع در آمد، به نابرابری دامن زده‌است

نااطمینانی و سردرگمی اقتصادی باشد، غیر قابل پیش‌بینی می‌شود. در این شرایط سرمایه‌گذار به‌خصوص سرمایه‌گذار بخش خصوصی تمایل به سرمایه‌گذاری ندارد. وقتی سرمایه‌گذاری نباشد نباید انتظار رشد اقتصادی داشته باشیم و وقتی رشد اقتصادی نباشد درآمد سرانه هم پایین می‌آید.

این اقتصاددان با اشاره به بحث توزیع در آمد ادامه داد: یکی از وظایف مهم دولت باز توزیع در آمد است اما دولت‌های مختلف تاکنون به دلایلی که مهمترین آن ساختار سیاسی معیوب کشور است، نتوانسته‌اند این وظیفه را به درستی انجام دهند. در نتیجه این وضعیت عده‌ای روز به‌روز فقیرتر و عده‌ای هم ثروتمندتر شده‌اند.

وی با اشاره به نحوه توزیع یارانه‌ها گفت: سیاست دولت در توزیع یارانه که یکی از سیاست‌های باز توزیعی است، به گونه‌ای ست که نه تنها اهداف سیاست باز توزیعی را پوشش نمی‌دهد بلکه از آن اهداف دور تر هم می‌شود.

آرمن گفت: برای مثال تخصیص ارز دولتی باعث شده عده‌ای به از باز نرخ پایین دولتی دسترسی داشته باشند و بعد آن را در بازار آزاد با نرخ بالا بفروشند یا به جای وارد کردن کالای اساسی، کالای دیگری وارد کنند. مورد دیگر مسئولیت بانک مرکزی در نظارت بر عملکرد بانک‌هاست که بر اساس قانون باید بر عملکرد بانک‌ها نظارت کند. اگر این بانک نتواند به اندازه کافی به مسئولیت خود عمل کند، نتیجه این می‌شود که امروز

یک اقتصاددان گفت: یکی از وظایف مهم دولت باز توزیع در آمد است، اما متأسفانه دولت‌های مختلف تاکنون به دلایل مختلف که مهمترین آن ساختار سیاسی معیوب کشور است، نتوانسته‌اند این وظیفه را به درستی انجام دهند.

به گزارش ایلنا، سید عزیز آرمن درباره مجموعه‌ی سیاست‌هایی که باعث بحران معیشت کنونی شده، گفت: در ابتدا باید به شرایط و سیاست‌هایی اشاره کنم که باعث روابط اقتصادی ضعیف کشور و جایگاه اندک ایران در اقتصاد جهانی شده است. در نتیجه سیاست‌های نادرست کشور در سال‌ها و چند دهه اخیر، ما امروز در اقتصاد بین‌الملل سهمی اندک داریم و اگر نفت را کنار بگذاریم، در صادرات سهم چندانی نداریم و این در صورتی است که ظرفیت بالایی داریم.

وی بابیان اینکه مواضع کلی سیاسی وضعیت ما را به اینجا رسانده، ادامه داد: در عصری زندگی می‌کنیم که نمی‌توانیم با دیوار کشی به جایی برسیم و معنای استقلال هم این نیست بنابراین ما باید مسیر ها را باز کنیم چرا که امروز دیگر اقتصاد از نفس افتاده است.

آرمن ادامه داد: وقتی نمی‌توانیم در اقتصاد بین‌الملل سهمی داشته باشیم، باید به پتانسیل‌های داخل کشور توجه بیشتری داشته باشیم که این مسأله هم تاکنون به دلایلی که با دلایل بالا بی‌ارتباط نیست، امکان‌پذیر نبوده است. آینده‌کشوری که در بعد سیاسی با نظم جهانی در تنش باشد و هموار دچار بی‌ثباتی،

خبر

کارشناس مسائل اقتصادی: